

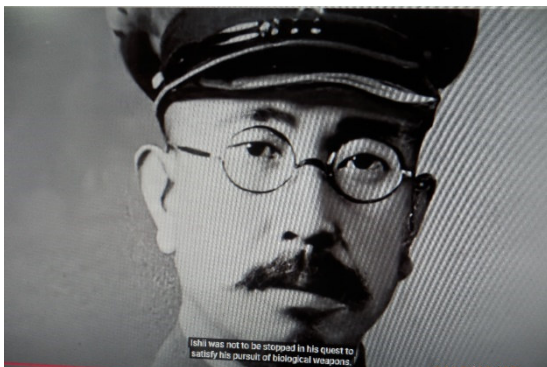
واحد ۷۳۱ ارتش ژاپن تولید کننده سلاح بیولوژیک

جمشید جمشیدی



واحد ۷۳۱ ارتش ژاپن در دوران جنگ جهانی دوم مخصوصا در سرزمین های اشغالی چین فعالیت های ضد بشری گسترده ای به نام تحقیقات پزشکی انجام داده است که بسادگی قابل اغماض نیست و هم اکنون نیز ۸۰ سال پس از جنگ از خاطره نسل های بسیاری زنده نشده است.

در راس فعالیت های این واحد، پزشکی به نام شیرو ایشی ای^۱ در ارتش وقت ژاپن بوده است.



او در شهری در استان چیبا متولد می شود در حالی که پدر او ارباب زمین دار ثروتمندی بوده است. شرایط مالی ممتاز خانوادگی ایشی ای عاملی برای پیشرفت او در زمینه تحصیلات عالی می شود. پس از اتمام تحصیلات دبیرستان وارد دانشکده پزشکی دانشگاه امپریال کیوتو می شود. پس از فارغ التحصیلی در سال ۱۹۲۰ وارد مدرسه پزشکی ارتش وقت می شود. ایشی ای به خاطر استعداد و خلاقیت هائی که از خود

بروز می دهد مورد توجه مقامات عالییه نظامی قرار می گیرد. با مزه کردن نمک استخراج کرده از ادرار خود، یا تهیه آب تصفیه شده از فاضلاب جلب توجه می کند.

عاملی که سبب می شود تا ایشی ای به سمت تحقیقات میکروب شناسی تمایل پیدا کند در سال ۱۹۲۴ زمانی است که بیماری انسفالیت فراگیر شده و موجب مرگ ۳۳۰۰ شهروند ژاپنی می شود. او را در تیمی برای بررسی علت بیماری مامور می کنند که نتیجه تحقیقات نهائی وجود

¹ Shiro Ishii(1892-1954)

ویروس خاص تأیید می شود. از آن پس است که اشیای عزم خود را برای تحقیقات در رشته میکروب شناسی جزم می کند. ایشی ای در سال ۱۹۲۷ دکترای خود را در رشته میکرو بیولوژی از دانشگاه کیوتو می گیرد.

ایشی ای روزی در مجله طبی به توافق نامه ژنو در سال ۱۹۲۵ پس از جنگ جهانی اول مبنی بر استفاده نکردن ملل از سلاح های بیولوژیکی در جنگ ها برخورد می کند که او را در پی گیری اهداف بعدی خود راهنما می شود. اگر چه ژاپن هم این توافق نامه را امضا کرده است ولی در سطح کشوری هیچ گونه پای بندی به آن نداشته است. ضمناً این توافق نامه ساختن و نگهداری این سلاح ها را ممنوع نکرده است.

ایشی ای پس از آگاهی از مضمون این توافق نامه فکر می کند حالا که معلوم شد سلاح های بیولوژیکی می تواند در جنگ ها کارائی داشته باشند، بنابراین چرا ما آن ها را نسازیم و برای پیروزی اهداف امپراتوری و تسلط مردم خودمان بر کشورهای دیگر بکار نگیریم. ایشی ای برای بدست آوردن دانش بیشتر بار سفر را به کشورهای آمریکا و اروپا می بندد تا از تجربیات آن ها در ساختن سلاح های بیولوژیکی دانش بیشتر کسب کند. او از ابتکار روش های ساختن سلاح های بیولوژیک کشورهای بلژیک، کانادا، فرانسه، دانمارک، آلمان، فنلند، ایتالیا، لهستان، روسیه، سوئد، ترکیه، انگلیس، نیوزیلند، هند، سنگاپور، آمریکا تجربه حاصل می کند. پس از برگشت با جذب نظر مقام های نظامی بالا از جمله وزیر جنگ وقت Sedao Araki و حتی وزیر بهداشت برای اولین بار فعالیت خود را در زمینه کشت باکتری ها، تزریق آن ها روی انسان و پیگیری بیماری های حادث و کوشش برای ساختن واکسن و درمان بیماری ها آغاز می کند.

ارتش ژاپن خودخواهانه از سال ۱۹۳۱ به منچوری^۲ تجاوز می کند و یگان های خود را در آنجا مستقر می کند.^۳ در ابتدا ایشی ای در لوای تجهیزات ارتش مسئول بخش پیشگیری بیماری ها و تامین آب را بعهده دارد ولی از سال ۱۹۴۰ رسماً واحد ۷۳۱ را در شهر هاربین^۴ منچوری تاسیس می کند و در بازه های زمانی کوتاه به گسترش آن اقدام می کند. ایشی ای با حمایت از امپراتور و مقام های نظامی از بودجه سالانه ۱۰ میلیون ین برخوردار می شود. هر بار که ساختمان آزمایشگاه جدیدی ساخته می شد بومیان ساکن اطراف ساختمان را به مناطق دوردست منتقل می کردند. کارگرانی که درون ساختمان کار می کردند را پس از اتمام ساختمان می کشتند. درون ساختمان سلول های تک نفره برای زندانیان تعبیه شده بود و نباید کسی از سری بودن ساختمان آگاه می شد. در ساختمان بین ۵۰۰ تا ۶۰۰ سلول زندانی وجود داشت.

در واحد ۷۳۱ است که بطور جدی آزمایشات کشت میکروب ها، تزریق آن ها به زندانیان مرد، زن و کودک، کارتون خواب های فقیر، افراد دچار بیماری های روانی، گروگان های چینی، روسی و مغولی، کره ای می پردازد. از این راه در صدد مطالعه متمرکز روی اثرات میکروب

² Manchuria

^۳ در باره جنگ های ژاپن در چین و کشورهای آسیای شرقی در اقیانوس آرام و همین طور با آمریکا می توانید به مقاله زیر به نگارش همین نویسنده در سایت ایشان مراجعه کنید.

[Microsoft Word - ??? ????.docx \(shamogoloparvaneh.com\)](#)

⁴ Harbin



ها، مقاومت افراد و تاثیرات درمان ها می شوند. بیش از ۲۹ نوع میکروب کشت داده می شده است. اهم آن ها شامل نوع تیفوئید(حصبه)، سیاه زخم، طاعون، وبا، ح، ویروس اسهال و غیره بود. در آزمایشگاه آن ها تولید ماهانه میکروب طاعون ۳۰۰ کیلوگرم، میکروب سیاه زخم ۵۷۰۰ کیلوگرم، باکتری حصبه ۸۹۰۰ کیلوگرم و ۱۰۰۰ کیلوگرم میکروب وبا گزارش شده است(منبع ۶). در آزمایشگاه تجهیزات مدرن و کافی از جمله ۴۵۰۰ دستگاه پرورش حشرات جهت حمل باکتری، جمع آوری شده بود و هر از مدتی تعداد کارکنان آن افزایش می یافت. در زمانی بیش از ۳۰۰۰ پرسنل در آن بکار آزمایشات مشغول بودند. دانشجویان و استادان دانشگاه های کشور در تماس تنگاتنگ با کمپ آزمایشگاه و مرتب در رفت و آمد می بودند. حتی دانش آموزان دبیرستان را به آزمایشگاه می آوردند تا دستگیری آزمایشات باشند.



ماروتا
丸太

آزمایشگاه تحقیقاتی میکروب شناسی فقط در منچوری نبوده است. با موافقت امپراتور و مقام های نظامی آزمایشگاه هائی با برنامه های مشابه نه فقط در پکن، نانجینگ، شانگهای چین بلکه در کشورهای تایلند، برمه، سنگاپور، فیلیپین، گینه نو و غیره بعد از آغاز جنگ با آمریکا در سال ۱۹۴۱، که حدود ۱۵۰ لایراتور را شامل می شده است را احداث کرده بودند، و هر کدام بین ۱۲۰ تا ۱۵۰ پرسنل داشته است. واحدهای شهر های دیگر با شماره غیر از ۷۳۱ شناسائی می شد.

انسان هائی که مورد آزمایش قرار می گرفتند هرگز به عنوان انسان شناخته نمی شدند. ژاپنی ها آن ها را با واژه "ماروتا"^۵ که به معنای چوب است می شناختند. آن ها را با نام صدا نمی کردند. همگی شماره داشتند و از روی شماره آن ها را شناسائی می کردند. تبعیض نژادی به نحو بارزی در آزمایشگاه ها آشکار بود. چینی ها را دارای مغز کوچک می دانستند که ارزش انسانی چندانی ندارند.

⁵ Maruta=logs in English

معمولا به زندانیان غذای کافی و مقوی سرو می کردند تا در مقابل عفونت ها مقاومت بیشتری داشته باشند.

میکروب هائی که در آزمایشگاه کشت داده می شد به انحای گوناگون به زندانیان منتقل می گردید تا اثرات آن مورد مشاهده قرار گیرد. یا به شخص تزریق وریدی می شد، یا به همراه غذا خورنده می شد، یا به آب شرب آغوشته می گردید، در برخی موارد با تجاوزات جنسی به زنان منتقل می شد. بیمارانی را که مبتلا به عفونت های مقاربتی از جمله سفلیس و سوزاک بودند مجبور می کردند با جنس مخالف عمل جنسی انجام دهند. حتی به نوزادان و کودکان میکروب را منتقل می کردند تا از طرفی اثرات آن در کودکان مطالعه شود و در عین حال به والدین آن ها سرایت کند و والدین در بررسی ها مورد مطالعه قرار گیرند.

میکروب هائی که حاصل کشت بودند معمولا قدرت عفونت بالائی داشتند. تقریبا ۹۹ درصد مبتلایان به این نوع میکروب ها زنده نمی ماندند. حتی واکسن هائی که ساخته می شد از اعتبار لازم برخوردار نبود بیشتر آن ها آغوشته به میکروب وبا بودند.

تحقیقات پس از عفونت های مصنوعی حتی شامل مطالعه اعضای درونی بدن بیمار هم می شد. هر آن علائم درونی مشاهده می شد شکم بیمار را بدون تجویز داروی بی حسی یا بیهوشی باز می کردند تا عضو آسیب دیده را بیرون بیاورند. باور براین داشتند که داروهای بیهوشی ممکن است روی اعضای بدن تاثیرات منفی داشته باشد و مطالعات علمی را دچار اما و اگر کند. برای جلوگیری از جیغ و داد بیمار بر اثر درد مچاله ای از گاز طبی در دهان او قرار می دادند تا صدایش شنیده نشود. عضو درون شکم ممکن بود کبد، کلیه، ریه، یکی از آن ها یا تمام آن باشد. برخی پس از این جراحی ها جان سالم بدر نمی بردند. بیمارانی که بر اثر عفونت فوت می کردند آن ها را فوری اتوپسی می کردند و بعدا جسدشان را می سوزاندند. در لابراتور این واحد اعضای بدن بیش از ۳۰۰ نفر در شیشه های فرمالدهید نگهداری می شده است.

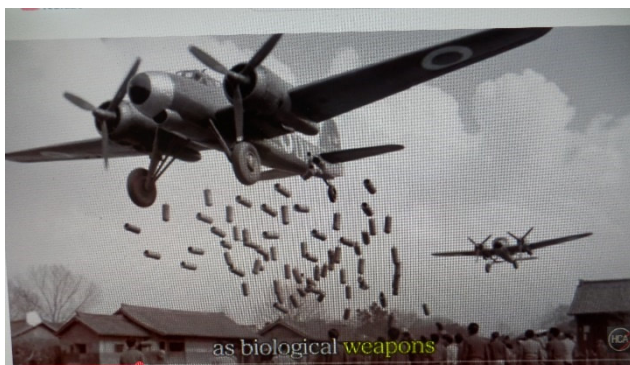
زخم های حاصل از عفونت میکروب سیاه زخم را برای مشاهده سیر طبیعی آن بدون مداوا تا مراحل پوسیدگی عضو بیمار مشاهده می کردند و در نهایت بناچار عضو آسیب دیده را قطع می کردند. شخصی پیدا می شد که هر دو پای او قطع شده بود.

فعالیت های کشت میکروب ها و آزمایشات روی زندانیان درون کمپ همگی تحت نظارت و پیگیری خود ایشی ای بوده و دقیقا به مقام های نظامی بالا گزارش می شده است. اما نه فقط



اعتراضی از مقام های نظامی بالا ابراز نشد بلکه همواره فعالیت های پرسنل آزمایشگاه مورد تشویق و ساپورت واقع می شدند. تحقیقات روی اثر میکروب ها فقط در آزمایشگاه ها انجام نمی گرفت. برای مقابله با دشمنان در میدان جنگ و شهروندان ضد ژاپنی به مقدار زیاد مورد استفاده قرار گرفته است. در سال ۱۹۴۰، ۴۰ کیلوگرم میکروب وبا، ۷۰ کیلوگرم میکروب حصبه و میلیون ها حشره ناقل میکروب طاعون از جنوب منچوری به شانگهای منتقل می شود تا در منطقه پخش شود.

میکروب حصبه از هوا به صدها چاه ریخته شد که سبب مرگ هزارها روستائی چینی شد.



میکروب ها یا از هوا از طریق حشرات پخش می شد یا بر روی ابرها پخش می شد تا باران سبب انتقال آن ها روی شهروندان بشود. در اکتبر سال ۱۹۴۰ میکروب طاعون درون خون را با غلات قاطی کردند و در بازار پرجمعیت یک شهر در چین پخش کردند. ۱۰۰ نفر در این رویداد فوت کردند. روش دیگر،

میکروب ها را روی بال های پرندگان هم پخش می کردند تا به سطح زمین منتقل شود. استفاده از موش و حیوانات دیگر برای انتقال میکروب ها هم استفاده شده است. بر پایه یک ادعای آماری حدود ۳ میلیون موش را پرورش داده بودند تا انتقال میکروب ها را تسریع کنند. در رودخانه ها، چاه ها و آب شرب شهروندان هم میکروب ها را منتقل می کردند.

طبق یک منبع آماری واحد ۷۳۱ حدود ۳۰ کیلوگرم طاعون لنفای، ۳۰۰ کیلوگرم باکتری طاعون، ۵۷۰۰ کیلوگرم باکتری سیاه زخم، ۸۹۰۰ کیلوگرم باکتری حصبه و ۱۰۰۰ کیلوگرم باکتری وبا ماهانه تولید می کرده است (منبع ۶).

در تاریخ ۲۶ مارچ ۱۹۴۵ استفاده از سلاح باکتری حتی در برابر ارتش آمریکا که به "عملیات شکوفه های گیلاس در شب"^۶ معروف است برنامه ریزی شده بود تا در تاریخ ۲۲ سپتامبر عملی شود. قرار بود با چهار هواپیما سلاح های بیولوژیک که شامل باکتری های حصبه، طاعون و وبا و تب دنگ بودند عملیات پخش خود را در محل های پر جمعیت لوسانجلس، سندیکو و سانفرانسیسگو انجام دهند. اما در این عملیات خود خدمه ناوگان هواپیما بر دچار عفونت شدند و این برنامه حمله با خودکشی خود آن ها انجام نگرفت (منبع ۶).

در واحد ۷۳۱ فقط تحقیقات روی اثرات میکروب ها صورت نمی گرفت. پزشکانی مسئول مطالعه روی اعضای درونی بدن زندانیان بودند. برای مثال زندانی سالمی را بدون استفاده از روش بیهوشی پس از خروج معده، مری او را با روده اتصال می دادند و سپس سبک زندگانی روزانه و شرایط گوارشی او را مورد مطالعه قرار می دادند. در جای دیگری بخش کوچکی از مغز زندانی را قطع می کردند و به مطالعه رفتار عصبی و روحی او می پرداختند.

اگر چه برای مطالعه مقاومت و واکنش "ماروتا" ها در برابر عفونت ها با باکتری، تغذیه کافی برای آن ها تهیه می دیدند اما در "ماروتا" هائی که برنامه مطالعه اثرات گرسنگی در آن ها را دنبال می کردند برای مدتی دسترسی آن ها را به تغذیه لازم قطع می کردند و شرایط جسمانی و روحی آن ها را در زمان گرسنگی مورد مشاهده و مطالعه قرار می دادند.

برخی را چند روز در محیطی با درجه گرمای بالا قرار می داند تا پس از عرق کردن و از دست دادن مقدار زیاد آب بدنشان مقاوت آن ها را مطالعه کنند. معمولاً بسیاری از آن ها با از

⁶ Operation of Cherry Blossom at night

دست دادن هشتاد درصد وزن خود با مرگ روبرو می شدند.

در جایی یک زندانی را در درجه سرمای ۴۰ تا ۵۰ درجه زیر صفر قرار می دادند تا یخ بزند. ان وقت مقاومت زندانی مورد مطالعه قرار می گرفت. عضو یخ زده، دست یا پا را مورد معالجه قرار می دادند. یا آب داغ روی عضو یخ زده می ریختند، یا با چکش عضو یخ زده را ضربه می زدند، در نهایت عضو را قطع می کردند و جزئیات آن را مورد مطالعه قرار می دادند. برخی را برای آزمایش مقاوت بدنشان در سانتریفیوژ قرار می دادند و آن قدر می چرخاندند تا جان بدهند.

برخی دیگر را از سر آویزان می کردند تا پروسه جان دادن آن را دقیقاً مشاهده کنند.

در بخشی از آزمایشگاه تحقیقاتی اثرات مواد شیمیایی روی بدن انسان مطالعه می شد. در چمبرهای تخصصی فرد را با دست و پای بسته قرار می دادند و گازهای سمی را به درون چمبر می فرستادند. شخص دچار مشکل تنفسی و تشنج می شد، نهایتاً با مرگ دست و پنجه نرم می کرد. مقدار گاز سمی که قادر است شخص را بفلاکت برساند محاسبه می شد.

اگر چه کارکنانی بودند که این نوع آزمایشات را روی انسان نه قانونی و نه اخلاقی نمی دانستند و کاملاً ضد بشری احساس می کردند اما با فشار مراجع بالائی سکوت اختیار می کردند. ایشی ای به آن ها می گفت ما کار فنی و علمی می کنیم توجیه قانونی و اخلاقی آن را به مقامات بالا واگذار کنیم. آن ها هستند که قضاوت می کنند کار ما لازمست یا نه.

زندانیان معترض که خود مواد آزمایشگاهی بودند با سرکوب و قتل مواجهه بودند.

در سال ۱۹۴۵ پس از شکست ژاپن در جنگ با آمریکا ساختمان واحد ۷۳۱ همراه با گزارشات و مدارک تحقیقات آزمایشگاهی کاملاً تخریب می شود و تمام ۳۰۰ زندانی درون سلول های زندان به قتل می رسند. پس از منحل شدن واحد ۷۳۱ استادان و دانشجویان مشغول در آزمایشگاهها به دانشگاههای درون خاک ژاپن برگشتند. اما دکتر ایشی ای که بی شک می توانست در جایگاه یک جنایتکار جنگی تنبیه شود در چه موقعیتی قرار گرفت.

در تاریخ سوم مه ۱۹۴۶ در توکیو یک دادگاه نظامی با قضاتی از ۱۱ کشور جهان برای تنبیه مجرمین جنگی ژاپن با پیشقدمی آمریکا در توکیو تشکیل می شود. آمریکا جنایتکار جنگی به نام شیرو ایشی ای را که محکوم به کشتار بیش از ۵۰۰ هزار چینی از راه بکارگیری سلاح بیولوژیکی و ویروس های عفونت زا بود آزاد گذاشت. این پزشک پژوهشگر بیماری های عفونتی تمام عمر خود را در واحد ۷۳۱ به پژوهش روی مردم چین مثل موش آزمایشگاهی گذرانده بود. او هم از پشتیبانی ارتش با خود برخوردار بود و هم از کمک های امپراتور بهره مند می شد. آمریکا بجای این که او را به میز محاکمه بکشاند با دریافت بخشی از باقیمانده داده های تجربیات تحقیقاتی میدانی با او با مدارا رفتار کرد و از محاکمه جدی او در دادگاه نظامی توکیو چشم پوشی کرد. بدین ترتیب یک بده بستان بی شرمانه در مقابل بازماندگان افسرده هزارها قربانی

چینی با او صورت می گیرد.
دکتر ایشی ای از آن پس به زندگانی عادی خود ادامه می دهد اما در سال ۱۹۵۴ به علت سرطان حلق فوت می کند.

منابع

1. (140) 【衝撃・731部隊】人体実験を主導したやばい医者・石井四郎の生涯。ミドリ十字や帝銀事件とどう関わったのか - YouTube
2. (140) Inside Japan's Unit 731: Deadly Human Experiments - YouTube
3. (140) Shiro Ishii & Unit 731 Documentary - YouTube
4. (140) Unit 731 - World War II - Forgotten History - YouTube
5. (141) Japan's Most Sadistic Human Experiments of World War II – Unit 731 - YouTube
6. (186) The Japanese Unit Behind 580,000 Deaths (America COVERED It Up) - YouTube